فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۴)، تابستان ۱۴۰۲
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
مقاله پژوهشی صفحات ۲۱۶-۱۹۹ **DOR:** 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0

نقش صنایع غذایی مجید در ارتقای کیفیت زندگی روستاییان (مورد مطالعه: شهرستان گتوند)

نسیبه جمالی؛ کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاثانی، ایران.
معصومه فروزانی*؛ دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاثانی، ایران.
عباس عبدشاهی؛ دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاثانی، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

چکیده

امروزه، راهبرد صنعتی کردن روستاها در مباحث توسعه روستایی، مورد تاکید بسیاری از برنامه‌ریزان حوزه کشاورزی است. در همین رابطه، راه‌اندازی صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی می‌تواند موجب بهبود شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مناطق روستایی و متعاقبا بهبود کیفیت زندگی روستاییان شود. با علم به این مساله، پژوهشی با هدف بررسی نقش صنایع تبدیلی کشاورزی در کیفیت زندگی کشاورزان با استفاده از روش پیمایش انجام شد. جامعه آماری پژوهش، کشاورزان ساکن در مناطق روستایی جنت‌مکان از بخش مرکزی شهرستان گتوند بودند که بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، نمونه‌ای به حجم ۲۰۵ نفر از بین آنها انتخاب گردید. طبقات مورد بررسی شامل دو دسته از کشاورزان شامل افرادی بود که محصول خود را برای فروش به کارخانه صنایع غذایی مجید می‌فروختند و افرادی که محصولات خود را برای فروش به بازار آزاد می‌دادند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بود که روایی صوری آن توسط تعدادی از اعضای هیآت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی تایید شد و برای سنجش پایایی آن، از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۷-۰/۷۲ =α) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و STATA انجام گرفت. همچنین برای وزن‌دهی زیر مؤلفه‌ها و متغیرهای کیفیت زندگی از روش تحلیل مؤلفه اصلی (PCA) استفاده گردید. یافته‌های بدست آمده نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین ابعاد اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی در بین کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه می‌دهند و آنهایی که محصول خود را به بازار می‌فروشند، وجود دارد. همچنین، کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه می‌دهند، میزان رضایت شغلی، احساس ارزشمندی، بهزیستی ذهنی، امکانات رفاهی، درآمد و پس‌انداز بالاتری داشتند.

واژگان کلیدی: صنعتی شدن روستاها، صنایع تبدیلی و تکمیلی، اقتصاد روستایی، کیفیت زندگی، شهرستان گتوند.

* m.forouzani@asnrukh.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

۱) مقدمه

امروزه بسیاری از مسایل مرتبط با حوزه کشاورزی، مانند هزینه‌های بالای تولید و ضایعات فراوان در طول مراحل مختلف تولید، ناپایداری قیمت، فصلی بودن تولیدات کشاورزی، نبود علاقه کافی برای انجام فعالیت‌های کشاورزی، نامناسب بودن سیستم اطلاع‌رسانی بازار، نامتعادل بودن نظام بازاریابی، بیکاری فصلی و پنهان، کاهش درآمد، حضور دلالان و واسطه‌های فراوان و غیره (معروفی، ۱۳۹۳: ۱)، بسیاری از برنامه‌ریزان را به اتخاذ راهبردهای جدید توسعه روستایی به ویژه صنعتی کردن روستاها ترغیب نموده است (وصال و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱؛ بهرامی، ۱۳۹۹: ۸۱). زیرا با توجه به اهمیت جمعیت روستایی و بخش کشاورزی در پیشبرد اهداف اقتصادی، هدایت صنایع به ویژه صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی از جمله صنایع مواد غذایی به سمت این مناطق می‌تواند در حل معضلات مورد اشاره مفید باشد (سجودی و دیانتی، ۱۳۹۸: ۱۳۸). نزدیکی به تولیدکنندگان نهاده‌های واسطه‌ای، دسترسی به عرضه‌کنندگان مواد خام، دسترسی به مصرف‌کننده و خدمات بازاریابی، دسترسی به نیروی کار ارزان، نیروی کار مرد و نیروی کار ساده و عرضه محصولات جدید به بازار، برای آن صنایع (سجودی و دیانتی، ۱۳۹۸: ۱۵۳-۱۵۲؛ نجاتیان‌پور و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۳۳۵ و ۳۴۹؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۶) و دسترسی به بازار فروش محصولات، کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، کاهش هزینه حمل و نقل، ارتقای ارزش افزوده محصولات اولیه و خام، بکارگیری منابع و افزایش بهره‌وری تولیدات (بنی اسدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴۶، پوررمضان و اکبری، ۱۳۹۳: ۱۵۶؛ حاتمی‌فرد، ۱۳۹۱: ۴۱۳؛ خواجه‌شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۶) از مزایای صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی برای تولیدکنندگان بخش کشاورزی می‌باشد. بنابراین، توسعه صنایع روستایی با فراهم‌سازی ابزارهای مناسب برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی موجب افزایش سطح درآمد، اشتغال‌زایی و کاهش سطح بیکاری روستایی می‌شود؛ به نحوی که در درجه اول، موجب بهبود شاخص اقتصادی توسعه و سپس شاخص‌های اجتماعی و کالبدی در مناطق روستایی شده و یک راهبرد توسعه‌ای برای تحرک اقتصاد روستا تلقی می‌شود (بهرامی، ۱۳۹۸: ۸۱؛ مخبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۱۵؛ سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۹؛ Casini *et al*., 2021: 72). در همین راستا، صنعتی شدن روستایی ابزار تغییر فنی برای بهبود کیفیت زندگی نسل فعلی در مناطق روستایی انگاشته شده است (Golabi and Ebrahimi, 2018: 52)؛ گفته شده است که استقرار صنایع مبتنی بر کشاورزی، استاندارد خوبی از زندگی را فراهم کرده و فعالیت‌های اقتصادی یک منطقه را برای رشد و تغییراتی که در جستجوی توسعه پایدار است، بهبود می‌بخشد (Rotimi and Temitayo, 2022: 2). این در حالی است که توسعه به معنی واقعی آن زمانی به پایداری می‌رسد که تحلیل‌های اقتصادی در کنار سایر ابعاد اجتماعی، محیطی، کالبدی و زیرساختی به صورتی متوازن و البته مکمل، سامان یابند (پورطاهری، ۱۳۹۲: ۱۰۶). امروزه ارتقای کیفیت زندگی در همه ابعاد آن به عنوان دیدگاهی نو در نگرش موضوعات توسعه‌ای مطرح شده است (پورطاهری، ۱۳۹۰: ۲۹). مفهوم کیفیت زندگی دارای رویکردهای عینی و ذهنی است که از جمله رویکردهای ذهنی می‌توان به بعد اجتماعی و در رویکرد عینی به بعد اقتصادی اشاره کرد. در بعد اقتصادی مباحثی مانند دارایی، اشتغال، رضایت درآمدی و غیره، و در بعد اجتماعی مباحثی از جمله سلامت و تغذیه، آموزش و احساس خشنودی مطرح می‌باشد (Casini *et al*., 2021: 67; Viccaro *et al*., 2021: 3, 6; Seangpraw *et al*., 2019: 454). مطالعات نشان می‌دهند که هدف اصلی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، دسترسی عادلانه مردم روستایی به سطحی از رفاه می‌باشد. از این‌رو، بررسی و ارزیابی کیفیت زندگی می‌تواند برای دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار روستایی، بسیار تعیین‌کننده بوده و کمک عمده‌ای به پیشبرد برنامه‌های مرتبط با توسعه روستایی در جهت کاهش محرومیت مناطق روستایی، کاهش مهاجرت جوانان و حصول اطمینان از اینکه مناطق و جوامع روستایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

مکان‌های جذابی برای زندگی و کار باقی مانده، نماید (شاهرخی ساردو و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۴؛ Casini *et al.*, 2021:73; Viccaro *et al.*, 2021: 1). با توجه به این نکته که اقتصاد روستایی و نظام‌های مرتبط با غذا در کشاورزی به شدت تحت تاثیر سیاست‌های کشاورزی هستند (Klein *et al.*, 2022: 132)، بنابراین، رونق صنایع روستایی به ویژه در جوامعی که مبتنی بر اقتصاد کشاورزی هستند، با برقراری پیوند با کشاورزی از اهمیت بسزایی برخوردار است (کریم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۷). با این وجود، در زمینه ارزیابی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی احداث کارخانه‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی، مطالعات محدودی صورت گرفته است (صی‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳۱) از این‌رو، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا شکل‌گیری و استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در مناطق روستایی تاثیری در بعد اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی کشاورزان دارد؟ برای این منظور در این مقاله، به بررسی نقش مجتمع صنایع غذایی مجید بر کیفیت زندگی کشاورزان منطقه پرداخته شده است. لازم به ذکر است که مجتمع صنایع غذایی مجید در سال ۱۳۷۰ با راه‌اندازی خطوط مدرن مربا و آب لیمو رسما" آغاز به کار نمود. از آن زمان به بعد با اجرای طرح‌های متوالی توسعه و تجهیز، خطوط تولید محصولات جدید شامل انواع شربت، رب گوجه‌فرنگی، عرقیات و گلاب، انواع سس، کنسروهای غیرگوشتی، کنسرو ماهی و قلیه ماهی، ترشیجات، شوریجات و آب میوه را به خطوط تولید پیشین اضافه نموده است. محصولات این شرکت پس از اخذ مجوزهای قانونی از وزارتخانه‌های صنایع و بهداشت تولید گردیده و اغلب آنها از نشان استاندارد ملی ایران برخوردار می‌باشند. این مجتمع در زمینی به مساحت ۳ هکتار احداث گردید و محصولات تولیدی در این مجتمع و ۲ واحد بزرگ تحت پوشش آن شامل برگ سبز جنوب (شوشتر) و مجتمع صنایع غذایی جمشید (شوشتر) در دسترس مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد. خط تولید رب گوجه این مجتمع در سال ۱۳۷۵ با ظرفیت اندکی راه‌اندازی شد و پس از اخذ مجوزهای لازم با اجرای طرح‌های توسعه‌ای، ظرفیت تولید سالانه رب گوجه آن از ۳۰۰ تن به ۴۰۰۰ تن ارتقاء یافت. محصولات تولیدی این مجتمع علاوه بر استان‌های همجوار در سایر نقاط کشور و برخی کشورهای جهان نیز عرضه و توزیع می‌گردند (وبگاه صنایع غذایی مجید، ۱۴۰۱).

۲) مبانی نظری

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چند بعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌های زیادی قرار داشته و متخصصان برای اندازه‌گیری و سنجش آن از شاخص‌های مختلفی استفاده کرده‌اند (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶). کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی و متأثر از مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از یکسو ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر، ابعاد ذهنی و درونی دارد. از این رو، ارائه‌ی تعریفی جامع برای آن آسان نیست (قلی‌زاده قلعه عزیز و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳). معمولا کیفیت زندگی با دو رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی. شاخص‌های رویکرد عینی سعی بر توصیف فراوانی و کمیت امکانات فیزیکی در محیط‌های اجتماعی یا فردی دارند مانند خدمات بهداشتی، آموزشی، حمل و نقل، مسکن، اشتغال و غیره (Casini *et al.*, 2021: 65)؛ در واقع این رویکرد مبتنی بر سنجش غیرمستقیم کیفیت زندگی از طریق مجموعه‌ای از طیف گسترده‌ای از شاخص‌ها است که سپس از طریق یک روش تجمیع ترکیب می‌شوند تا یک شاخص ترکیبی ساخته شود که کیفیت خاصی از ارزش زندگی برای یک جامعه معین را به عنوان ابزاری برای تعیین اهداف دولت و نظارت بر تغییرات به دست آورد. شاخص توسعه انسانی (HDI)[1] که توسط امارتیا سن تهیه شده و سالانه برای

[1] Human Development Index (HDI)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

۱۸۷ کشور توسط برنامه توسعه سازمان ملل محاسبه می‌شود، و شاخص زندگی بهتر[1] که رفاه را در بین کشورها بر اساس ۱۱ بعد در حوزه‌های ضروری زندگی مادی و کیفیت زندگی مقایسه می‌کند، نمونه‌هایی از شاخص‌های ترکیبی هستند که برای سنجش کیفیت زندگی توسعه یافته‌اند (Viccaro *et al*., 2021:3-4). در حالی که بعد ذهنی کیفیت زندگی نشان دهنده چگونگی ارزیابی و احساس فرد در مورد زندگی است. در این بعد، هر فرد چگونه زیستن، احساس و معنای خود از زندگی را ارزیابی می‌کند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸؛ Viccaro *et al*., 2021:3). بنابراین، می‌توان تأیید کرد که حتی وجود زیرساخت‌های یکسان می‌تواند تأثیر متفاوتی بر رضایت از عملکرد منابع اقتصادی، اجتماعی و محیطی طبیعی داشته باشد. از این‌رو، هر ارزیابی از کیفیت زندگی و رفاه باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های مادی مناطق انجام شود، به طوری که همین در دسترس بودن منابع را می‌توان برحسب چگونگی درک افراد از ارزش این منابع در رابطه با زمینه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، متفاوت ارزیابی کرد (Casini *et al*., 2021: 65). بر همین اساس، نوع شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش کیفیت زندگی به نوع رویکرد اتخاذ شده بستگی دارد. از این‌رو، محققان مختلف با استفاده از روش‌های کمی و کیفی بر پایهٔ روش‌های مشارکتی و با ترکیبی از نظرات کارشناسان و افراد بومی، شاخص‌های مختلفی را برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در مناطق روستایی تدوین کرده‌اند.

به منظور بررسی بیشتر موضوع، پیشینه و سوابق پژوهشی موجود، مورد مطالعه قرار گرفت که در ادامه به طور مختصر به برخی از آنها اشاره می‌شود: قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۱: ۱۱)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که احداث ناحیه صنعتی منجر به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان شده و به واسطه آنها، شاخص‌های دیگر مانند میزان رضایت و امنیت شغلی، کیفیت زندگی، بهره‌مندی از بیمه و تغذیه بهبود یافته است. نتایج پژوهش سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳: ۱۰۳) نشان دادند که صنایع روستایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی بر توسعه روستاهای دهستان صائین قلعه شهرستان ابهر اثر معناداری داشته است. به طوری‌که این صنایع در ابعاد اقتصادی و محیطی، بیشترین اثرگذاری را به همراه داشته و کمترین آن نیز مربوط به بعد کالبدی بوده است. پوررمضان و اکبری (۱۳۹۳: ۱۶۲) در بررسی اثرات ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستایی در بخش مرکزی شهرستان رشت، به این نتیجه رسیدند که پیوند بین صنعت و کشاورزی در حمایت از محصولات در مراحل مختلف تولید و استفاده از شیوه‌های نوین کشاورزی، در تقویت پایه‌های اقتصادی روستاها، در ایجاد اشتغال و درآمد و همچنین گسترش صادرات و افزایش سرمایه-گذاری‌های روستایی اثرات قابل توجهی دارد. نادری مهدیی و همکاران (۱۳۹۳: ۵۵) در بررسی تاثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی روستاهای شهرستان بهار، نشان دادند که استقرار صنایع تبدیلی در روستا تا حدودی منجر به رونق بخش کشاورزی و تولید محصولات شده است و همچنین با استقرار صنایع تبدیلی در روستاها بسیاری از روستاییان، از حالت سنتی به سمت تولید بیشتر محصولاتی مشابه صنایع تبدیلی گرایش پیدا نموده‌اند که همین امر منجر به بهبود وضعیت درآمدی آنها شده است. نتایج پژوهش صی‌محمدی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۳؛ ۱۳۹۵: ۶۳۶-۶۳۵)، در خصوص پیامدهای اجتماعی-اقتصادی شرکت کشت و صنعت روژین تاک در شهرستان کرمانشاه، نشان داد که پس از استقرار این شرکت، اشتغال‌زایی کشاورزی و غیرکشاورزی در منطقه مورد مطالعه روند افزایشی داشته است و از آنجایی که این شرکت یک کارخانه فرآوری محصولات کشاورزی است و با توجه به اینکه محصول آن رب و کنسرو گوجه‌فرنگی است بنابراین منجر به ترغیب روستائیان به کاشت گوجه‌فرنگی، سیر صعودی مهاجرت معکوس، تقویت انسجام گروهی، بهبود رفاه اجتماعی- اقتصادی و میل به تحصیل شده است. افراخته و قاسمی‌سیانی (۱۳۹۳: ۷۹)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که

[1] Better Life Index

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

اثرات اقتصادی احداث ناحیه صنعتی، بیشتر از اثرات اجتماعی و فرهنگی آن بوده است. استفاده از کالاهای مصرفی بادوام، تغییر الگوی مصرف مواد غذایی، گسترش ابعاد مشارکت، افزایش فرصت‌های شغلی و درآمدی بهتر، بهبود خدمات آموزشی و بهداشتی، کاهش برون‌کوچی و افزایش ماندگاری جمعیت روستایی، مهمترین پیامدهای ناحیه صنعتی در نواحی روستایی بوده است. ناصری و همکاران (۱۳۹۸: ۱۰۵ و ۱۱۹) در بررسی و تبیین کارکرد بازارهای هفتگی در بهبود شاخص‌های کیفی زیستی و معیشتی خانوارهای روستایی شهرستان گنبد کاووس به این نتیجه دست یافتند که ایجاد و استقرار بازارهای هفتگی در برخی از روستاها با بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش درآمد، تنوع شغلی، کاهش هزینه‌ها و افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان و ... رابطه معنی‌دار دارد. همچنین، استقرار بازار هفتگی با بهبود و ارتقای برخی از مؤلفه‌های کالبدی رابطه معنی‌دار دارد. بر این اساس، بهبود اوضاع کالبدی روستا تا حد قابل قبولی متأثر از ایجاد بازار در نواحی روستایی مورد مطالعه بوده است. گلابی و ابراهیمی (Golabi and Ebrahimi, 2018: 51, 57) در بررسی خود پیرامون تأثیر نواحی صنعتی فراهان بر توسعه مناطق روستایی به این نتیجه دست یافتند که عوامل اقتصادی، به عنوان مهمترین عامل و پس از آن عوامل اجتماعی و زیرساختی عوامل تأثیرگذار در صنعتی شدن روستاهای شهرستان فراهان هستند. بنابراین، برای رفع مشکل اشتغال در روستاها، راه‌اندازی صنایع یا گسترش مشاغل غیرکشاورزی می‌تواند راه حلی منطقی برای برون‌رفت از این مشکل باشد. همچنین برای افزایش درآمد روستاییان و افزایش تمایل آنها به اقامت در روستاها، یک راهبرد برنامه‌ریزی شده برای صنعتی شدن روستاها لازم است.

۳) روش تحقیق

برای دستیابی به هدف پژوهش که بررسی نقش کارخانه مواد غذایی مجید در کیفیت زندگی کشاورزان است، از پیمایش به شیوه علی- مقایسه‌ای استفاده شد. بدین معنا که کیفیت زندگی کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه عرضه می‌کنند و کشاورزانی که محصول خود را به بازار ارسال می‌نمایند، مقایسه شد. بنابراین، در منطقه مورد مطالعه، چهار روستا به طور هدفمند برای انجام پژوهش انتخاب شدند؛ این روستاها شامل دو روستای آب-بید علی باز و آب‌بید حاج بابا بودند که کشاورزان آنها محصول خود را برای فروش به کارخانه مجید در فاصله ۳۳ کیلومتری شمال شهر گتوند، می‌برند و همچنین دو روستای چقامله و کوشکک که برخی از کشاورزان آنها محصول گوجه‌فرنگی خود را برای فروش، به کارخانه مجید عرضه می‌کنند و برخی دیگر نیز محصول گوجه‌فرنگی خود را به بازار ارسال می‌نمایند. بر همین اساس، جامعه آماری تحقیق شامل کشاورزان گوجه‌فرنگی‌کار این چهار روستا به تعداد ۴۳۷ نفر می‌باشند و حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۲۰۵ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. اعضای جمعیت بر اساس محل فروش محصول گوجه‌فرنگی به دو طبقه تقسیم شدند. متغیرها و اطلاعات مورد نیاز این پژوهش با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌های علمی و طی مصاحبه‌های نیمه ساختارمند که با کارکنان کارخانه مجید و رئیس اداره ترویج شهرستان گتوند صورت گرفت، به دست آمدند. در بخش مطالعه میدانی نیز به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه شامل سه بخش مشخصات فردی و حرفه‌ای، بعد اقتصادی کیفیت زندگی و بعد اجتماعی کیفیت زندگی بود. بعد اجتماعی کیفیت زندگی با ۸ مولفه شامل احساس ارزشمند بودن (۶ گویه)، رضایت شغلی (۱۰ گویه)، امیدواری به آینده شغلی (۱۱ گویه)، آموزش (۵ گویه)، عدم تمایل به مهاجرت (۷ گویه)، امکانات رفاهی (۷ گویه)، سلامت و امنیت (۵ گویه) و بهزیستی ذهنی (۶ گویه) (احمدوند و همکاران،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

۱۳۹۱: ۹۶؛ رهنمایی و همکاران،۱۳۹۱: ۵۲؛ حسینی و باقریان، ۱۳۹۳: ۶۸-۶۵؛ شاهرخی ساردو و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۷-۳۶؛ (Casini *et al*., 2021: 67; Viccaro *et al*., 2021: 3, 6; Seangpraw *et al*., 2019: 454 به کمک طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای شامل خیلی کم=۱، کم=۲، نظری ندارم=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵ امتیاز، سنجیده شد. بعد اقتصادی کیفیت زندگی نیز با استفاده از ۸ متغیر شامل، تعداد شاغلین خانواده، درآمد غیر کشاورزی، میزان پس‌انداز، درآمد کشاورزی، نحوه مالکیت اراضی کشاورزی (شخصی، اجاره‌ای)، نحوه مالکیت ادوات کشاورزی (شخصی، اجاره‌ای)، نحوه مالکیت اراضی مسکونی (شخصی، اجاره‌ای) و توانایی بیمه کردن سنجیده شد. روایی فنی و ظاهری پرسشنامه با استفاده از نظر تعدادی از اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی تایید شد. در واقع، پس از اصلاحات مکرر پرسشنامه، این اطمینان حاصل شد که پرسشنامه قابلیت سنجش ویژگی‌های مورد نظر را دارا می‌باشد. برای سنجش میزان پایایی سوالات طرح شده و انجام اصلاحات لازم، آزمون پیش‌آهنگ در خارج از نمونه اصلی در روستاهای بهائیه (از روستاهای توابع شهر ملاثانی) و سله‌چین (از روستاهای شهر جنت‌مکان، بخش مرکزی شهرستان گتوند) برای ۳۰ نفر انجام و آلفای کرونباخ محاسبه و این ضریب برای اجزای مختلف پرسشنامه، در جدول ۱ آمده است که نتایج، پایایی پرسشنامه برای انجام تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای گویه‌های مورد بررسی

متغیرها	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ(α)
احساس ارزشمند بودن	۶	۰/۷۵۶
رضایت شغلی	۱۰	۰/۷۵۸
امیدواری به آینده شغلی	۱۱	۰/۸۷۵
آموزش	۵	۰/۷۲۷
عدم تمایل به مهاجرت	۷	۰/۷۶۱
امکانات رفاهی	۷	۰/۷۲۱
سلامت و امنیت	۵	۰/۷۲۰
بهزیستی ذهنی	۶	۰/۸۶۲

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار SPSS و STATA استفاده شد. از آنجا که برخی متغیرهای مورد استفاده، مقیاس مشترکی نداشتند، ضروری می‌نمود این شاخص‌ها به واحدهای بدون مقیاس تبدیل شوند تا امکان ترکیب آنها فراهم شود (کلانتری، ۱۳۹۴: ۳۳). برای این منظور، ابتدا هر کدام از متغیرها با استفاده از مدل موریس، رفع اختلاف مقیاس شدند (رابطه ۱).

رابطه ۱

$$X_i = \frac{X_i - X_{min}}{X_{max} - X_{min}}$$

که X_i : مقدار متغیر i، X_{min} : مقدار کمینه متغیر و X_{max}: مقدار بیشینه متغیر

رابطه ۲ نحوه ساختن شاخص‌های ترکیبی بعد اقتصادی کیفیت زندگی، بعد اجتماعی کیفیت زندگی و شاخص کلی کیفیت زندگی را نشان می‌دهد:

رابطه ۲

$$CI=\sum_{i=1}^{n} x_{i\times Wi}$$

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

از سوی دیگر، به دلیل ارزش و اهمیت متفاوت متغیرها و مولفه‌ها، فرایند وزن‌دهی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی[1](PCA) انجام شد (کلانتری، ۱۳۹۴: ۵۹).

منطقه مورد مطالعه پژوهش، مناطق روستایی شهر جنت‌مکان واقع در شهرستان گتوند استان خوزستان می‌باشد. شهرستان گتوند از شمال و غرب به شهرستان دزفول، از شرق و جنوب شرق به شهرستان لالی و مسجدسلیمان و از جنوب به شهرستان شوشتر محدود می‌شود. اقلیم این شهرستان، گرم و خشک است. شهر جنت‌مکان در بخش مرکزی این شهرستان واقع است. شغل اکثر مردمان این منطقه، به دلیل نزدیکی به رودخانه کارون، کشاورزی و دامداری است. روستاییان این منطقه بعد از کشت اصلی خود یعنی گندم، به کشت سبزی و صیفی‌جات که از جمله آنها گوجه‌فرنگی می‌باشد، می‌پردازند. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه این پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.

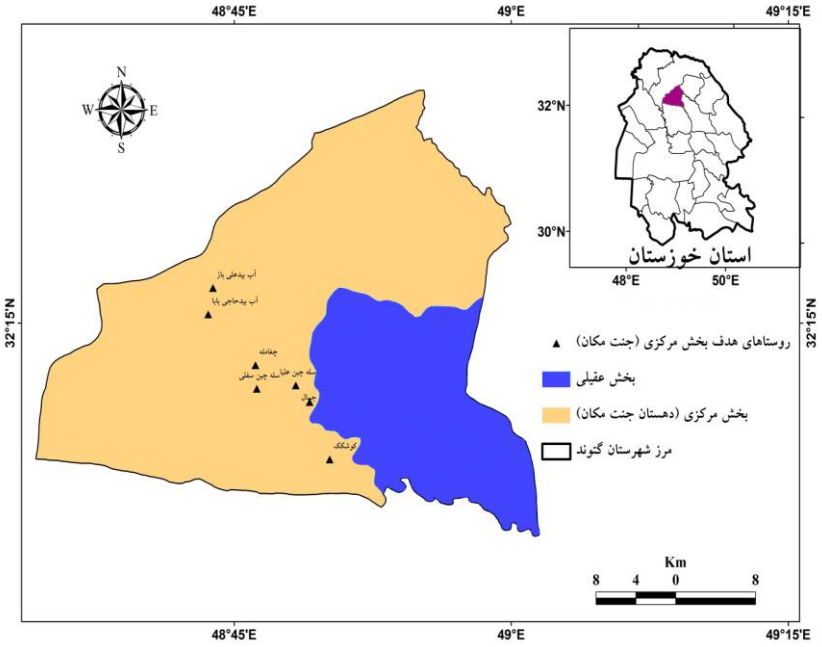

شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

جدول ۲ توزیع فراوانی کشاورزان بر حسب ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای را نشان می‌دهد. مطابق یافته‌های این جدول، میانگین سنی پاسخگویان نیز ۳۸/۶۵ سال با انحراف معیار ۱۱/۰۷ می‌باشد و بیش از نیمی از کشاورزان (۵۲/۷ درصد)، کمتر از ۳۸ سال سن دارند. همچنین، یافته‌ها بیانگر آن است که درصد کمی از کشاورزان مورد مطالعه (۶/۸ درصد) بی‌سواد و بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویان دارای مدرک دیپلم می‌باشد. مطابق یافته‌های این جدول، تعداد اعضای خانواده ۸۶/۳ درصد از کشاورزان کمتر از ۵ نفر می‌باشد. همچنین، میانگین سابقه کار پاسخگویان ۱۴/۲۰ سال با انحراف معیار ۸/۷۱ می‌باشد (جدول ۲). بسیاری از کشاورزان گوجه‌فرنگی‌کار (۶۲ درصد)، در سطحی کمتر از ۲ هکتار گوجه‌فرنگی کشت می‌نمایند. کشاورزانی که میزان تولید گوجه‌فرنگی آنها بین ۲۰ تا ۵۰ تن می‌باشد، بالاترین درصد فراوانی (۵۴/۶ درصد) و کسانی که تولید گوجه‌فرنگی

[1]- Principal Component Analysis

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

آنها ۷۰ تن به بالا است، کمترین درصد فراوانی (۱۹ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین تولید گوجه‌فرنگی نیز ۵۲/۹۶ تن با انحراف معیار ۱۸/۸۶ می‌باشد. بیش از نیمی از کشاورزان، (۵۴/۶ درصد) محصول خود را برای فروش به بازار آزاد و بقیه محصول خود را به کارخانه می‌دهند. طبق یافته‌های جدول ۲، درصد بالایی (۸۱/۰) از کشاورزان محصول خود را برای فروش، به بازارهای نزدیک‌تر (اهواز) می‌برند و بقیه برای رساندن محصول خود به محل فروش، مسافت‌های بیشتری (تهران و تبریز) را طی می‌کنند. علاوه بر این، یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که هزینه حمل و نقل کشاورزان برای رساندن محصول به بازار فروش (کارخانه یا بازار) به طور متوسط ۵۲۷ هزار تومان و میانگین قیمت فروش محصول، حدود ۲۸۰۰ تومان به ازای هر کیلو می‌باشد. درصد بالایی از کشاورزان (۵۷/۶ درصد) پول گوجه‌فرنگی خود را به صورت مدت‌دار و بقیه (۴۲/۴ درصد) به صورت نقد دریافت می‌کنند.

جدول ۲. توزیع فراوانی کشاورزان بر حسب ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد فراوانی	درصدتجمعی	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سن	کمتر از ۳۸*	۱۰۸	۵۲/۷	۵۲/۷	۳۸/۶۵	۱۱/۰۷	۲۰	۶۵
	بیشتر از ۳۸*	۹۲	۴۷/۳	۱۰۰				
تحصیلات	بی‌سواد	۱۴	۶/۸	۶/۸	-	-	-	-
	خواندن و نوشتن	۶۳	۳۰/۷	۳۷/۶				
	دیپلم	۸۰	۳۹/۰	۷۶/۶				
	دانشگاهی	۴۸	۲۳/۴	۱۰۰				
تعداد اعضای خانواده	کمتر از ۵**	۱۱۷	۸۶/۳	۸۶/۳	۴/۱۶	۱/۱۴	۲	۷
	بیشتر از ۵**	۲۸	۱۳/۷	۱۰۰				
سابقه کار کشاورزی	کمتر از ۱۴*	۱۲۶	۶۱/۵	۶۱/۵	۱۴/۲۰	۸/۷۱	۳	۴۰
	بیشتر از ۱۴*	۷۹	۳۸/۵	۱۰۰				
مساحت اراضی (هکتار)	کمتر از ۲*	۱۲۷	۶۲	۶۲	۲/۱۱	۰/۹۹	۱	۵
	بیشتر از ۲*	۷۸	۳۸/۰	۱۰۰				
میزان تولید (تن)	۲۰-۵۰	۱۱۲	۵۴/۶	۵۴/۶	۵۲/۹۶	۱۸/۸۶	۲۰	۹۵
	۵۰-۷۰	۵۴	۲۶/۳	۸۱/۰				
	۷۰ به بالا	۳۹	۱۹/۰	۱۰۰				
محل فروش محصول	کارخانه مجید	۹۳	۴۵/۴	۴۵/۴	-	-	-	-
	بازار آزاد	۱۱۲	۵۴/۶	۱۰۰				
مسافت (کیلومتر)	کمتر از ۱۹۳*	۱۶۶	۸۱/۰	۸۱/۰	۱۹۳/۸۸	۳۱۸/۸۳	۵	۸۵۰
	بیشتر از ۱۹۳*	۳۹	۱۹/۰	۱۰۰				
هزینه حمل و نقل (هزار تومان)	کمتر از ۵۲۷*	۱۶۶	۸۱/۰	۸۱/۰	۵۲۷/۱۲	۵۹۰/۵۶	۱۴۰	۱۹۰۰
	بیش از ۵۲۷*	۳۹	۱۹/۰	۱۰۰				
قیمت فروش محصول گوجه‌فرنگی	کمتر از ۲۸۰۰*	۹۲	۴۴/۹	۴۴/۹	۲۸۰۰/۱۴	۴۸۴/۳۰	۱۹۷۰	۳۶۲۰
	بیش از ۲۸۰۰*	۱۱۳	۵۵/۱	۱۰۰				

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

زمان دریافت پول گوجه‌فرنگی	مدت‌دار	۱۱۸	۵۷/۶	۵۷/۶	-	-	-	-
	نقد	۸۷	۴۲/۴	۱۰۰				
جمع			**۲۰۵**	**۱۰۰**				

* تقسیم‌بندی بر اساس میانگین و ** تقسیم‌بندی بر اساس سرشماری‌های مرکز آمار ایران

توصیف متغیرهای بعد اقتصادی کیفیت زندگی

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که تنها ۴۰ درصد از کشاورزان مورد بررسی، دارای درآمد غیرکشاورزی می‌باشند. بیشترین فراوانی کشاورزان (۴۲/۹ درصد)، مربوط به کسانی است که درآمد حاصل از تولید گوجه‌فرنگی برای آنها کمتر از ۳۰ میلیون تومان در سال و کمترین فراوانی مربوط به آنهایی است که بالاتر از ۵۰ میلیون تومان (۱۵/۱ درصد) درآمد سالانه حاصل از تولید گوجه‌فرنگی دارند. میانگین درآمد کشاورزان، ۳۸/۲۷ میلیون تومان با انحراف معیار ۱۷/۳۳ می‌باشد. همچنین، درصد بالایی از کشاورزان (۶۲/۹ درصد) میزان پس‌اندازشان کمتر از ۵ میلیون تومان در سال می‌باشد. بیشتر کشاورزان، یعنی ۱۵۵ نفر (۷۵/۶ درصد) اظهار کرده‌اند که در خانواده آنها کمتر از ۳ نفر شاغل (عمدتا در کشاورزی) می‌باشند و کمترین فراوانی کشاورزان از نظر تعداد شاغلین خانواده مربوط به طبقه بیش از ۵ نفر شاغل در خانواده می‌باشد. یافته‌های حاصل از جدول ۳، همچنین نشان می‌دهد که درصد بالایی از کشاورزان (۷۹/۵ درصد) دارای مالکیت شخصی اراضی کشاورزی بوده و برای بقیه کشاورزان، زمین‌های کشاورزی به صورت اجاره‌ای می‌باشد. از نظر نوع مالکیت ادوات کشاورزی (مانند تراکتور، دنباله‌بند، سم‌پاش و غیره) نیز، بخش زیادی (۷۱/۲ درصد) از کشاورزان، ادوات را اجاره می‌کنند و تنها ۲۸/۸ درصد از کشاورزان، خود مالک ادوات کشاورزی هستند. علاوه بر این، بیشترین فراوانی پاسخگویان از نظر نوع مالکیت اراضی مسکونی مربوط به طبقه مالکیت شخصی (۸۳/۹ درصد) و بقیه مربوط به طبقه مالکیت اجاره‌ای می‌باشد. در نهایت، از مجموع ۲۰۵ نفر پاسخگو، تنها ۱۴۹ نفر (معادل ۷۲/۷ درصد) توانایی مالی بیمه کردن (تأمین اجتماعی) خود و اعضای خانواده را دارند.

جدول ۳. توزیع فراوانی کشاورزان بر حسب متغیرهای بعد اقتصادی کیفیت زندگی

متغیر	سطح	فراوانی	درصد فراوانی	درصدتجمعی	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
درآمد غیرکشاورزی	ندارد	۱۲۳	۶۰/۰	-	-	-	-	-
	دارد	۸۲	۴۰/۰					
درآمد کشاورزی حاصل از کشت گوجه‌فرنگی (میلیون تومان)	کمتر از ۳۰	۸۸	۴۲/۹	۴۲/۹	۳۸/۲۷	۱۷/۳۳	۱۰	۹۵
	۳۰-۴۰	۴۱	۲۰/۰	۶۲/۹				
	۴۰-۵۰	۴۵	۲۲/۰	۸۴/۹				
	۵۰ به بالا	۳۱	۱۵/۱	۱۰۰				
میزان پس‌انداز(میلیون تومان)	کمتر از ۵	۱۲۹	۶۲/۹	۶۲/۹	۴/۹۷	۳/۲۵	۱	۱۵
	۵-۱۰	۶۳	۳۰/۷	۹۳/۷				
	۱۰-۱۵	۱۳	۶/۳	۱۰۰				
تعداد شاغلین خانواده در کشاورزی(نفر)	کمتر از ۳	۱۵۵	۷۵/۶	۷۵/۶	۲/۶۶	۱/۲۹	۱	۸
	۳-۵	۴۶	۲۲/۴	۹۸/۰				
	۵ به بالا	۴	۲/۰	۱۰۰				

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

نوع مالکیت اراضی کشاورزی	اجاره	۴۲	۲۰/۵	–	–	–	–	–	–
	شخصی	۱۶۳	۷۹/۵						
نوع مالکیت ادوات کشاورزی	اجاره‌ای	۱۴۶	۷۱/۲	–	–	–	–	–	–
	شخصی	۵۹	۲۸/۸						
نوع مالکیت اراضی مسکونی	اجاره‌ای	۳۳	۱۶/۱	–	–	–	–	–	–
	شخصی	۱۷۲	۸۳/۹						
توانایی بیمه کردن	ندارد	۵۶	۲۷/۳	–	–	–	–	–	–
	دارد	۱۴۹	۷۲/۷						

توصیف متغیرهای بعد اجتماعی کیفیت زندگی

همانگونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین تمامی مولفه‌های بعد اجتماعی کیفیت زندگی (قبل از اعمال وزن مولفه‌ها) برای کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه مجید می‌فروشند، بالاتر از کسانی است که محصول گوجه‌فرنگی خود را در بازار به فروش می‌رسانند. همچنین میانگین مولفه‌های احساس ارزشمندی (۳/۵۰)، رضایت شغلی (۳/۶۲)، امیدواری به آینده شغلی (۳/۱۵)، امکانات رفاهی (۳/۳۴)، سلامت و امنیت (۳/۰۶) و بهزیستی ذهنی (۳/۰۷) کل کشاورزان در حد متوسط و کمتر از آن می‌باشد. در مورد دو مولفه آموزش (۲/۶۱) و عدم تمایل به مهاجرت (۲/۵۴) میانگین کل کشاورزان زیر حد متوسط و در سطح ضعیف قرار دارد. این یافته با نتایج مطالعه پارشوکوف و همکاران (Parshukov *et al*., 2021: 4) برای مناطق روستایی روسیه، کاسینی و همکاران (Casini *et al*., 2021: 72)، و همچنین ویکارو و همکاران (Viccaro *et al*., 2021: 4) برای مناطق روستایی ایتالیا مطابقت دارد.

جدول ۴. توصیف مولفه‌های بعد اجتماعی کیفیت زندگی کشاورزان بر حسب محل فروش محصول گوجه‌فرنگی

مؤلفه	کشاورزان فروشنده به بازار	کشاورزان فروشنده به کارخانه	میانگین کل
احساس ارزشمندی	۲/۸۹	۴/۱۱	۳/۵۰
رضایت شغلی	۲/۹۳	۴/۳۱	۳/۶۲
امیدواری به آینده شغلی	۲/۵۹	۳/۷۱	۳/۱۵
آموزش	۲/۱۲	۳/۱۰	۲/۶۱
مهاجرت (عدم تمایل به مهاجرت)	۱/۴۸	۳/۶۰	۲/۵۴
امکانات رفاهی	۲/۵۸	۴/۱۰	۳/۳۴
سلامت و امنیت	۲/۴۹	۳/۶۳	۳/۰۶
بهزیستی ذهنی	۱/۹۲	۴/۲۲	۳/۰۷

پس از وزن‌دهی متغیرها، زیر مؤلفه‌ها و مولفه‌ی اصلی به روش PCA، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است، متغیرهای دارای اختلاف مقیاس، نرمال‌سازی شدند و متغیر اصلی کیفیت زندگی محاسبه شد. طبق یافته‌های جدول ۵ بعد اجتماعی کیفیت زندگی، وزن بالاتری (۰/۷۳) نسبت به بعد اقتصادی (۰/۲۷) به خود اختصاص داده است. این وزن‌ها، میزان ارزش و اهمیت هر کدام از ابعاد و متغیرها را در ساخت کیفیت زندگی نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که بعد اجتماعی کیفیت زندگی نسبت به بعد اقتصادی کیفیت زندگی وزن بالاتری را به خود اختصاص داده است. همچنین از میان مولفه‌های بعد اجتماعی کیفیت زندگی، بهزیستی ذهنی و آموزش به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین وزن‌ها و در بعد اقتصادی، متغیرهای درآمد کشاورزی و توانایی بیمه کردن، به ترتیب بالاترین و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

پایین‌ترین وزن‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های جدول ۶ نیز نشان می‌دهد که با وجود آن که پس از نرمال‌سازی، بیشینه و کمینه قابل کسب برای پاسخگویان بین ۰ تا ۱ می‌باشد، در بعد کیفیت اجتماعی به ترتیب کمینه و بیشینه کسب شده ۰/۱۳ و ۰/۶۱، در بعد کیفیت اقتصادی به ترتیب ۰/۰۱ و ۰/۲۵ و در مورد متغیر کلی کیفیت زندگی این مقادیر به ترتیب ۰/۱۱ و ۰/۴۷ می‌باشند. عدد میانگین ۰/۲۸۸ برای کیفیت زندگی کشاورزان مورد بررسی نشان می‌دهد که در کل سطح کیفیت زندگی در میان کشاورزان مورد بررسی پایین است.

جدول ۵. وزن نهایی متغیرها، زیر مؤلفه‌ها و مؤلفه اصلی پژوهش

مؤلفه	متغیرها/زیرمولفه	وزن نهایی
کیفیت اجتماعی	احساس ارزشمند بودن	۰/۰۸۷
	رضایت شغلی	۰/۰۹۳
	امیدواری به آینده شغلی	۰/۰۹۲
	آموزش	۰/۰۷۴
	مهاجرت	۰/۰۹۸
	امکانات رفاهی	۰/۰۹۲
	سلامت و امنیت	۰/۰۸۶
	بهزیستی ذهنی	۰/۰۹۸
زیر مؤلفه کیفیت اجتماعی		۰/۷۳
کیفیت اقتصادی	تعداد شاغلین خانواده	۰/۰۱۱
	درآمد غیر کشاورزی	۰/۰۴۹
	پس‌انداز	۰/۰۶۲
	درآمد کشاورزی (گوجه‌فرنگی)	۰/۰۶۹
	مالکیت اراضی کشاورزی	۰/۰۲۸
	مالکیت ادوات کشاورزی	۰/۰۲۴
	مالکیت اراضی مسکونی	۰/۰۲۴
	بیمه	۰/۰۰۸
زیر مؤلفه کیفیت اقتصادی		۰/۲۷

جدول ۶. توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
کیفیت اجتماعی	۰/۳۵۶	۰/۱۶۱	۰/۱۳	۰/۶۱
کیفیت اقتصادی	۰/۱۱۷	۰/۰۴۷	۰/۰۱	۰/۲۵
کیفیت زندگی	۰/۲۸۸	۰/۱۲۵	۰/۱۱	۰/۴۷

مقایسه میانگین مولفه‌های بعد اجتماعی کیفیت زندگی بر حسب محل فروش محصول گوجه‌فرنگی (بازار و کارخانه)

برای بررسی تفاوت میان مولفه‌های بعد اجتماعی کیفیت زندگی بر حسب محل فروش محصول (کارخانه و بازار) از آزمون t مستقل استفاده گردید (جدول ۷). نتایج نشان داد که بین میانگین تمامی مولفه‌های بعد اجتماعی کیفیت زندگی برای کشاورزانی که محصول گوجه‌فرنگی خود را به کارخانه می‌فروشند و میانگین افرادی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

که محصول خود را به بازار می‌فروشند، تفاوت معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که میانگین تمامی مولفه‌ها برای کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه می‌فروشند از میانگین کشاورزانی که محصول خود را به بازار آزاد می-فروشند، بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت که وجود کارخانه در بالا بردن احساس ارزشمندی کشاورزان، رضایت شغلی، امیدواری به آینده شغلی، سطح آموزش، عدم تمایل به مهاجرت، امکانات رفاهی، سلامت و امنیت، و بهزیستی ذهنی مثمر ثمر بوده است (جدول ۷). در واقع، بر اساس مصاحبه‌هایی که با کارکنان کارخانه مجید صورت گرفت، مشخص شد که کارخانه با بستن قراردادهای مشخص با کشاورزان، موجبات رضایت شغلی آنها را فراهم می‌نماید. یافته‌های این قسمت با نتایج پژوهش قدیری‌معصوم و همکاران (۱۳۹۱: ۷)، پورطاهری و همکاران (۱۳۹۲: ۱۱۴) و گلابی و ابراهیمی (Golabi and Ebrahimi, 2018: 57) مطابقت دارد. همچنین، طبق مصاحبه‌های صورت گرفته با رئیس اداره ترویج شهرستان گتوند، وجود کارخانه در منطقه، یکی از عوامل علاقه‌مندی کشاورزان به ادامه کار کشاورزی و امیدواری به آینده شغلی است. بنابراین می‌توان گفت که وجود کارخانه در بالا بردن امیدواری به آینده شغلی کشاورزان مثمر ثمر بوده است. یافته‌های این قسمت از پژوهش با نتایج صی محمدی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۱۳) مطابقت دارد. علاوه بر این، می‌توان بیان نمود که وجود کارخانه در بالا بردن آموزش کشاورزان تا حدودی مثمر ثمر بوده است. یافته‌های این قسمت از پژوهش نیز با نتایج مطالعات گلابی و ابراهیمی (Golabi and Ebrahimi, 2018: 57) و صی محمدی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۳۹) مطابقت دارد. همچنین وجود کارخانه موجب عدم تمایل کشاورزان به مهاجرت شده است. این یافته با نتایج بسیاری از مطالعات پژوهشی از جمله گلابی و ابراهیمی (Golabi and Ebrahimi, 2018: 57)، ناصری و همکاران (۱۳۹۸: ۱۱۳)، صی محمدی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۳۸)، صی محمدی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۱۰)، سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳: ۹۶)، ریاحی و پاشازاده (۱۳۹۳: ۱۸) و پورطاهری و همکاران (۱۳۹۲: ۱۱۴) مطابقت دارد. علاوه بر این، وجود کارخانه، موجب افزایش بهره‌مندی از امکانات رفاهی شده است که این یافته با نتایج مطالعه پژوهشی نادری‌مهدی و همکاران (۱۳۹۴: ۵۴) و صی محمدی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۰۹) مطابقت دارد. بالاتر بودن میانگین مولفه سلامت و امنیت کیفیت زندگی در میان کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه می‌فروشند نیز می‌تواند حاکی از آن باشد که وجود کارخانه تا حدودی موجب بهبود سلامت و امنیت کشاورزان شده است. یافته‌های این قسمت از پژوهش با نتایج مطالعات صی محمدی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۱۶) و صی محمدی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۳۹) در رابطه با ایجاد مزاحمت‌های شرکت کشت و صنعت روژین‌تاک مانند ترافیک و آلودگی‌های صوتی برای مردم منطقه در استان کرمانشاه مغایرت دارد.

جدول ۷. مقایسه میانگین مولفه‌های بعد اجتماعی کیفیت زندگی بر حسب محل فروش محصول (کارخانه و بازار)

مولفه	محل فروش	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدارآماره t	سطح معنی‌داری
احساس ارزشمندی	کارخانه	۹۳	۴/۱۱	۰/۳۵	۱۶/۶۲	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۲/۸۹	۰/۶۲		
رضایت شغلی	کارخانه	۹۳	۴/۳۱	۰/۳۸	۲۹/۶۳	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۲/۹۳	۰/۳۵		
امیدواری به آینده شغلی	کارخانه	۹۳	۳/۷۱	۰/۳۸	۲۱/۱۶	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۲/۵۹	۰/۴۱		
آموزش	کارخانه	۹۳	۳/۱۰	۰/۵۹	۱۱/۵۶	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۲/۱۲	۰/۷۲		

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

عدم تمایل به مهاجرت	کارخانه	۹۳	۳/۶۰	۰/۵۰۴	۳۵/۵۶	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۱/۴۸	۰/۳۰۶		
امکانات رفاهی	کارخانه	۹۳	۴/۱۰	۰/۵۲	۲۱/۲۶	۰/۰۰۲
	بازار	۱۱۲	۲/۵۸	۰/۳۸		
سلامت و امنیت	کارخانه	۹۳	۳/۶۳	۰/۶۰	۱۵/۰۵	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۲/۴۹	۰/۵۵		
بهزیستی ذهنی	کارخانه	۹۳	۴/۲۲	۰/۴۶	۴۴/۳۴	۰/۰۰۲
	بازار	۱۱۲	۱/۹۲	۰/۳۲		

مقایسه میانگین متغیرهای بعد اقتصادی کیفیت زندگی بر حسب محل فروش محصول (بازار و کارخانه)

به منظور بررسی تفاوت میانگین برخی از ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی کشاورزان مورد مطالعه بر حسب محل فروش محصول (کارخانه و بازار) از آزمون مقایسه میانگین t مستقل استفاده گردید (جدول ۸). نتایج نشان داد که بین میانگین تعداد شاغلین در خانواده برای کشاورزانی که محصول گوجه‌فرنگی خود را به کارخانه می‌فروشند و کشاورزانی که محصول خود را در بازار به فروش می‌رسانند، تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین میزان پس‌انداز کشاورزانی که محصول گوجه‌فرنگی خود را به کارخانه می‌فروشند و میانگین پس‌انداز افرادی که محصول خود را در بازار می‌فروشند تفاوت معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که میانگین پس‌انداز کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه می‌فروشند از میانگین پس‌انداز کشاورزانی که محصول خود را به بازار آزاد می‌فروشند، بالاتر است. شاید بتوان گفت که وجود کارخانه موجب شده که افراد کشاورز انگیزه پس‌انداز بالایی داشته باشند. همچنین بین میانگین درآمد کشاورزی افرادی که محصول گوجه‌فرنگی خود را به کارخانه می‌فروشند و میانگین درآمد کشاورزی افرادی که محصول خود را در بازار می‌فروشند تفاوت معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که مجددا میانگین درآمد کشاورزی افرادی که محصول خود را به کارخانه می‌فروشند از میانگین درآمد کشاورزی افرادی که محصول خود را به بازار آزاد می‌فروشند بالاتر است. بنابراین می‌توان اظهار نمود که کارخانه شرایط خرید محصول گوجه‌فرنگی را در هر مقداری برای افراد کشاورز فراهم آورده و این موجب می‌شود افراد بتوانند درآمدهای بالایی از این طریق داشته باشند. این نتایج در تطابق با نتایج پژوهش‌های بسیاری از جمله ناصری و همکاران (۱۳۹۸: ۱۱۳)، نادری‌مهدی و همکاران (۱۳۹۴: ۵۴)، صی محمدی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۳۶)، صی محمدی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۰۸)، ریاحی و پاشازاده (۱۳۹۳: ۱۸) و سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳: ۹۶) می‌باشند.

جدول ۸. مقایسه میانگین متغیرهای بعد اقتصادی کیفیت زندگی بر حسب محل فروش محصول (کارخانه و بازار)

متغیر وابسته	محل فروش	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدارآماره t	سطح معنی‌داری
تعداد شاغلین خانواده	کارخانه	۹۳	۲/۵۵	۱/۲۹	۱/۱۰	۰/۲۷
	بازار	۱۱۲	۲/۷۵	۱/۲۸		
پس‌انداز	کارخانه	۹۳	۶/۸۲	۳/۴۲	۸/۳۱	۰/۰۰۷
	بازار	۱۱۲	۳/۴۳	۲/۱۲		
درآمد کشاورزی	کارخانه	۹۳	۴۹/۷۹	۱۶/۸۹	۱۰/۴۵	۰/۰۰۶
	بازار	۱۱۲	۲۸/۷۰	۱۰/۵۹		

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

در نهایت، بررسی تفاوت میان ابعاد و کل متغیر کیفیت زندگی کشاورزان بر حسب محل فروش محصول (کارخانه و بازار) با کمک آزمون t مستقل نشان داد که بین میانگین بعد اقتصادی، اجتماعی و کل کیفیت زندگی کشاورزانی که محصول گوجه‌فرنگی خود را به کارخانه می‌فروشند و میانگین افرادی که محصول خود را در بازار می‌فروختند تفاوت معناداری در سطح کمتر از ۱ درصد وجود دارد. به گونه‌ای که این میانگین‌ها برای کشاورزانی که محصول خود را برای به کارخانه می‌فروشند، بیشتر از کشاورزانی است که محصول خود را به بازار می‌دهند (جدول ۹). این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش نادری‌مهدی و همکاران (۱۳۹۴: ۵۴)، سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳: ۹۶) و پوررمضان و اکبری (۱۳۹۳: ۱۵۹) مطابقت دارد.

جدول ۹ مقایسه میانگین بعد اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی کشاورزان بر حسب محل فروش محصول

متغیر وابسته	محل فروش	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	سطح معنی‌داری
بعد اقتصادی کیفیت زندگی	کارخانه	۹۳	۰/۱۵۴	۰/۰۳۶	۱۳/۸۲	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۰/۰۸۷	۰/۰۳۲		
بعد اجتماعی کیفیت زندگی	کارخانه	۹۳	۰/۵۲۷	۰/۰۳۶	۵۷/۸۴	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۰/۲۱۳	۰/۰۴۰		
کیفیت زندگی	کارخانه	۹۳	۰/۴۲۱	۰/۰۲۸	۵۸/۶۸	۰/۰۰۱
	بازار	۱۱۲	۰/۱۷۷	۰/۰۳۰		

علاوه بر این، به منظور اطمینان بیشتر، برای بررسی تفاوت میان کیفیت زندگی کشاورزان روستاهای چغامله و کوشکک که برخی از آنها محصول خود را به کارخانه مجید می‌فروختند و برخی هم به بازار آزاد ارسال می‌نمودند، از آزمون غیرپارامتری من‌ویتنی استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین میانگین کیفیت زندگی کشاورزانی که محصول گوجه‌فرنگی خود را به کارخانه می‌فروشند و افرادی که محصول خود را در بازار می‌فروشند، تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۱۰). به گونه‌ای که میانگین کیفیت زندگی کشاورزانی که محصول خود را برای فروش، به کارخانه می‌دهند، بیشتر از کشاورزانی است که محصول خود را به بازار می‌دهند. این نتیجه با نتایج پژوهش نادری‌مهدی و همکاران (۱۳۹۴: ۵۴) مطابقت دارد.

جدول ۱۰. مقایسه میانگین کیفیت زندگی کشاورزان روستای چغامله و کوشکک بر حسب محل فروش

متغیر وابسته	محل فروش	فراوانی	میانگین رتبه‌ای	آماره Z	سطح معنی‌داری
کیفیت زندگی	کارخانه	۳۴	۳۳/۵۰	-۵/۶۵	۰/۰۰۱
	بازار	۱۶	۸/۵۰		

در نهایت، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر فروش محصول به کارخانه از تحلیل رگرسیون بر اساس مدل لاجیت استفاده شد (جدول ۱۱). نتایج نشان داد که متغیرهای میزان تولید، پس‌انداز و مساحت اراضی کشاورزی در سطح معنی‌داری ۵ درصد، متغیر قیمت فروش در سطح معنی‌داری ۱۰ درصد، با اثر مثبت و متغیر سن در سطح معنی‌داری ۱۰ درصد با اثر منفی، بر انتخاب فروش محصول به کارخانه معنادار شده‌اند. به این ترتیب متغیر سن با اثر نهایی ۰/۰۲۸- نشان می‌دهد که با یک واحد (سال) افزایش سن، احتمال انتخاب کارخانه جهت فروش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

محصول ۰/۰۲۸کاهش می‌یابد. متغیر میزان تولید با اثر نهایی ۰/۰۲۴ نشان می‌دهد که با یک تن افزایش تولید، احتمال انتخاب کارخانه جهت فروش محصول ۰/۰۲۴ افزایش می‌یابد. متغیر پس‌انداز با اثر نهایی ۰/۰۸۳ نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش پس‌انداز، احتمال انتخاب کارخانه جهت فروش محصول ۰/۰۸۳ افزایش می‌یابد. متغیر مساحت اراضی با اثر نهایی ۰/۳۷۸ نشان می‌دهد که با یک واحد (هکتار) افزایش مساحت اراضی، احتمال انتخاب کارخانه جهت فروش محصول ۰/۳۷۸ افزایش می‌یابد. همچنین متغیر قیمت فروش محصول با اثر نهایی ۰/۰۰۲ نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش قیمت، احتمال انتخاب کارخانه جهت فروش محصول ۰/۰۰۲ افزایش می‌یابد.

جدول ۱۱. نتایج برآورد مدل لاجیت عوامل مؤثر بر فروش محصول به کارخانه

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معنی‌داری	اثر نهایی
سن	-۰/۳۰۵	۰/۱۸۳	-۱/۶۶	۰/۰۹۷	-۰/۰۲۸
تحصیلات	۰/۶۴۱	۰/۸۶۳	۰/۷۴	۰/۴۵۸	۰/۰۵۹
سابقه کار	۰/۲۹۳	۰/۲۲۹	۱/۲۷	۰/۲۰۳	۰/۰۲۷
عملکرد محصول	۰/۲۶۵	۰/۱۱۰	۲/۴۰	۰/۰۱۶	۰/۰۲۴
پس‌انداز	۰/۸۹۵	۰/۴۰۷	۲/۲۰	۰/۰۲۸	۰/۰۸۳
تعداد شاغلین خانواده	۰/۴۰۳	۰/۴۴۱	۰/۹۱	۰/۳۶۱	۰/۰۳۷
مساحت اراضی	۴/۰۶	۱/۸۱	۲/۲۴	۰/۰۲۵	۰/۳۷۸
قیمت فروش محصول	۰/۰۲۴	۰/۰۱۳	۱/۸۲	۰/۰۶۹	۰/۰۰۲
درآمد کشاورزی	-۰/۰۳۴	۰/۰۸۹	-۰/۳۸	۰/۷۰۱	-۰/۰۰۳
مسافت	۰/۰۶۳	۰/۰۶۷	۰/۹۳	۰/۳۵۲	۰/۰۰۵
هزینه حمل و نقل	-۰/۰۷۹	۰/۰۶۰	-۱/۳۰	۰/۱۹۵	-۰/۰۰۷
شیوه دریافت پول	-۲/۳۲	۱/۵۲	-۱/۵۲	۰/۱۲۹	-۰/۲۰۷

۵) نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بعد اجتماعی کیفیت زندگی نسبت به بعد اقتصادی، اهمیت و ارزش بالاتری داشته و کشاورزان به این بعد از کیفیت زندگی، بیشتر توجه نموده‌اند؛ به طور تجربی نیز، در عمل سطح بعد اجتماعی کیفیت زندگی اندکی بالاتر از بعد اقتصادی کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه بود؛ اما در مجموع سطح کلی کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه در حد ضعیف بود. بررسی دقیق‌تر نشان داد که وضعیت و سطح کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه مجید می‌فروختند، در مورد تمامی مولفه‌های بعد اجتماعی و همچنین برخی از متغیرهای بعد اقتصادی کیفیت زندگی، بهتر از کشاورزانی بود که محصول گوجه‌فرنگی خود را روانه بازار می‌کردند و این اختلاف معنادار بود. در واقع، وجود کارخانه مجید در منطقه، یکی از عواملی است که موجب شده کشاورزان به کشاورزی ادامه دهند و به آینده شغلی خود امیدوار شوند. از طرفی کارخانه با بستن قراردادهایی مشخص با کشاورزان، موجبات رضایت شغلی آنها را فراهم می‌کند که این خود تا حدودی توانسته از مهاجرت افراد روستایی به مناطق دیگر جلوگیری نماید. کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه می‌فروشند انگیزه پس-انداز بالایی داشته و وجود کارخانه در منطقه به عنوان یک محرک برای پس‌انداز کشاورزان عمل می‌کند؛ زیرا کارخانه شرایط خرید محصول گوجه‌فرنگی را در هر مقداری برای افراد کشاورز فراهم نموده و این امر موجب می-شود افراد بتوانند درآمدهای بالایی از این طریق داشته باشند. همچنین از طریق فروش محصول به کارخانه، افت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

محصول کاهش یافته و از طرف دیگر، کارخانه محصولات را به قیمت تضمینی خریداری می‌نماید. بنابراین، در حالت کلی، کیفیت زندگی کشاورزانی که محصول خود را به کارخانه می‌دهند نسبت به آنهایی که محصول خود را به بازار آزاد می‌دهند، بهتر است. علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون لوجیستیک نیز نشان داد که متغیرهای میزان تولید، پس‌انداز و مساحت اراضی کشاورزی، قیمت فروش و سن بر احتمال انتخاب فروش محصول به کارخانه اثر معنادار داشته است. متغیر سن بر احتمال انتخاب کارخانه برای فروش محصول اثر منفی داشته و سایر متغیرها تاثیر مثبت داشتند. در بین متغیرها، بیشترین اثر مربوط به متغیر مساحت اراضی، و پس از آن به ترتیب متغیر پس‌انداز، سن، میزان تولید (عملکرد محصول) و قیمت فروش محصول بودند. به طور کلی، نتایج پژوهش انجام شده بیانگر نقش تقریبا مؤثر صنایع فرآوری محصولات کشاورزی در بهبود کیفیت زندگی کشاورزان از طریق گسترش فعالیت‌های کشاورزی، بازاریابی بهتر محصولات کشاورزی، افزایش تولید، افزایش سطح زیرکشت، افزایش درآمد، افزایش پس‌انداز، بالا رفتن احساس ارزشمندی و رضایت شغلی می‌باشد. همچنین علی-رغم تبعیت الگوی صنعتی شدن روستایی کشور، از دیدگاه اشتغال‌زایی، جذب نیروی کار ساکن در روستا، آموزش، مهاجرت، از حداقل موفقیت برخوردار بوده است. بر همین مبنا، پیشنهادهای ذیل ارایه شدند:

- به دلیل پتانسیل بالا در منطقه در رابطه با کشت و تولید محصولاتی چون کلم، هویج و لوبیا توصیه می‌شود نسبت به توسعه بخش‌های مختلف تبدیل مواد غذایی در کارخانه مجید اقدام گردد؛ که این موجب دگرگونی وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستائیان و بهبود وضع زندگی مردم روستایی خواهد شد؛
- نظر به سطح متوسط رو به پایین شاخص اشتغال و مهاجرت، پیشنهاد می‌شود برای استفاده از نیروی کار در کارخانه، از نیروهای نواحی روستاهای مجاور کارخانه، بیشتر استفاده گردد؛ که این خود موجب جلوگیری از مهاجرت افراد روستایی به شهرها و مناطق دیگر می‌شود؛
- عقد قراردادهای ویژه از سوی کارخانه برای درخواست و سفارش خرید مواد اولیه و محصولات خاص به منظور هدف-دار کردن تولید محصولات کشاورزی از سوی کشاورزان در راستای پایداری معیشت کشاورزان منطقه و همچنین تداوم فعالیت کارخانه در منطقه؛
- با توجه به اینکه کشاورزان، توان بالایی در تأمین وسایل و ادوات مدرن کشاورزی ندارند تا به وسیله آنها کشاورزی خود را بهبود بخشند، پیشنهاد می‌شود در ازای تضمین با ثبات تولید گوجه‌فرنگی برای کارخانه، کارخانه نیز در تأمین این ادوات به صورت مشارکتی با آنان همکاری نماید؛
- از آنجایی که برای برخی از کشاورزان، شغل کشاورزی جوابگوی نیازهای معیشتی نبوده و این خود عاملی برای مهاجرت افراد تلقی می‌شود، پیشنهاد می‌شود از افراد روستایی در قسمت‌های مختلف کار از جمله در قسمت حمل و نقل، خدمات، بارگیری و غیره به عنوان مشاغل فصلی غیرزراعی استفاده گردد؛ و
- به دلیل محدودیت‌های متعدد مانند دشواری دستیابی به پاسخ‌دهندگان و حذف احتمالی سایر عوامل مرتبط به کیفیت زندگی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری با تاکید بر بررسی نقش کارخانجات صنایع غذایی در کیفیت زندگی روستاییان همجوار و با رویکردی تمام گرایانه و کیفی انجام شود.

۶) منابع

- افراخته، حسن و محمد قاسمی‌سیانی، (۱۳۹۳)، **نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی، مطالعه موردی: ناحیه صنعتی کوهپایه در شهرستان اصفهان**، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۸، صص ۹۸-۷۹.
- احمدوند، مصطفی، سعید هدایتی‌نیا و خسرو عبدالهی، (۱۳۹۱)، **بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد**، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره دوم، صص ۱۱۲-۸۹.
- بنی‌اسدی، ندا ، داود ثمری، جمال فرج الله حسینی، مریم امیدی نجف آبادی، (۱۳۹۸)، **راهبردهای توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما با رویکرد کارآفرینی در مناطق روستایی (مطالعه موردی:روستاهای شهرستان بم استان کرمان)**، نشریه راهبردهای توسعه روستایی، سال ۶، شماره ۴، صص ۴۴۵-۴۶۲.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

- بهرامی، رحمت، (۱۳۹۹). **اثرات اقتصادی-اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سنندج**، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دوره ۲۴، شماره ۷۲، صص ۸۱-۱۰۳.
- پوررمضان، عیسی و زهرا اکبری، (۱۳۹۳)، **اثرات ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستایی**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره۴، پیاپی۱۰، صص ۱۶۴-۱۴۵.
- پورطاهری، مهدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و محمدرضا نقوی، (۱۳۹۲)، **نقش شهرک‌های صنعتی در توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون: مطالعه موردی شهرک صنعتی بهشهر**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۳، پیاپی ۱۱۰، صص ۱۱۶-۱۰۳.
- پورطاهری، مهدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و احداله فتاحی، (۱۳۹۰)، **ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی استان لرستان**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صص ۳۱-۱۳.
- حاتمی‌فرد، سویل، (۱۳۹۱)، **بررسی عوامل مؤثر بر به بهره‌برداری نرسیدن صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان زنجان**، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۳، شماره ۲-۴۲، صص ۴۲۱-۴۱۳.
- حسینی، سید هادی و خدیجه باقریان، (۱۳۹۳)، **تحلیلی بر مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در شهر نوشهر**، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۲۷، صص ۷۸-۵۵
- خواجه‌شاهکوهی، علیرضا، مهدی حسام، مهدی چراغی و حدیثه آشور، (۱۳۹۲)، **مکان‌یابی و اولویت‌بندی استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در استان گلستان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۴، پیاپی۶، صص ۴۱-۲۵.
- رهنمایی، محمدتقی، امین فرجی ملائی، حسین حاتمی‌نژاد و آزاده عظیمی، (۱۳۹۱)، **مفهوم کیفیت زندگی شهری در شهر بابلسر**، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۵، پیاپی ۵، صص ۷۶-۴۹.
- ریاحی، وحید و اصغر پاشازاده، (۱۳۹۳)، **بررسی اثرات ایجاد شهرک صنعتی گرمی بر توسعه نواحی روستایی پیرامون**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۳، صص ۲۵-۷.
- سجاسی قیداری، حمدالله، احمد رومیانی و سمیه صانعی، (۱۳۹۳)، **ارزیابی و تبیین کارکرد صنایع روستایی در توسعه. (دهستان صائین قلعه شهرستان ابهر)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۰۵-۸۷.
- سجودی، سکینه و ساناز دیانتی، (۱۳۹۸)، **عوامل موثر بر مکان‌یابی صنایع غذایی استان آذربایجان شرقی (مقایسه اولویت مناطق شهری و روستایی)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۱۶۱-۱۳۸.
- شاهرخی ساردو، صالح، مهدی نوری‌پور و پیمان پدرام، (۱۳۹۴)، **ارزیابی کیفیت زندگی مناطق روستایی با استفاده از تاکسونومی عددی (مورد مطالعه: دهستان اسفندقه، شهرستان جیرفت)**، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۱، شماره ۲، صص ۴۷-۳۱.
- صی‌محمدی، سمیره، کیومرث زرافشانی، امیرحسین علی‌بیگی و فرزاد امیری، (۱۳۹۴)، **تحلیل دینامیکی پیامدهای اجتماعی- اقتصادی شرکت کشت و صنعت روژین تاک در شهرستان کرمانشاه با استفاده از نرم‌افزار ونسیم (Vensim)**، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۶، پیاپی ۵۸، شماره ۲، صص ۱۱۸-۹۷.
- صی‌محمدی, سمیره، کیومرث زرافشانی، و امیرحسین علی بیگی، (۱۳۹۵)، **بررسی پیامدهای اجتماعی– اقتصادی شرکت کشت‌وصنعت روژین‌تاک در شهرستان کرمانشاه**، پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۴، صص ۶۴۳-۶۳۱.
- عزیزی، حسین، بیتا اصلانی، داود جمینی، و احمد تقدیسی، (۱۳۹۲)، **تحلیلی بر اثرات صنایع فراوری کشاورزی در توسعه روستایی مطالعه موردی: بخش سیدان شهرستان مرودشت**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۲۸، ۱۵۲-۱۳۷.
- قدیری معصوم، مجتبی و هادی قراگوزلو، (۱۳۹۱)، **نقش نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی (ناحیه صنعتی خورآباد استان قم)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۲، پیاپی ۲، صص ۱۴-۱.
- قلی‌زاده قلعه عزیز، وحید، یارمحمد قاسمی و حسین مهدی‌زاده، (۱۳۹۶)، **چگونگی ارزیابی کیفیت زندگی در بین روستاییان حومه ارومیه**، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۵۴-۱۳۱.
- کریم‌زاده،حسین، محسن آقایاری هیر و آذر بکایی، (۱۴۰۱)، **تحلیل اثرات اقتصادی فعالیت شهرک‌های صنعتی بر سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی (مورد مطالعه: شهرک صنعتی شهید سلیمی تبریز)**، نشریه روستا و توسعه پایدار فضا، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۰۵.
- کلانتری، خلیل، ۱۳۹۴، **مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ایی شهری روستایی**، فرهنگ صبا، تهران.
- مخیری، نسرین، شهره تاج، علیرضا استعلاجی، سیدحسن مطیعی لنگرودی، (۱۳۹۸)، **ارزیابی اثرات اجتماعی ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی در شهرک‌های صنعتی بر نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرک‌های صنعتی شهرستان گرگان)**، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۱۰، شماره ۲-۱، پیاپی ۳۷، صص ۷۲۸-۷۱۵.
- معروفی، اسماعیل و سلیمان رسولی‌آذر، (۱۳۹۳)، **بررسی نقش بازاریابی محصولات کشاورزی در نظام اقتصاد کشاورزی و روستایی ایران (چکیده)**، کنفرانس بین‌المللی و آنلاین اقتصاد سبز، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
- نادری مهدیی، کریم، حمید محمودیان و حشمت اله سعدی، (۱۳۹۳)، **تاثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی(روستاهای شهرستان بهار)**، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۴. صص ۵۹-۴۳.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]

- ناصری، زهرا، بهمن صحنه و علی اکبر نجفی کانی، (۱۳۹۸)، **تحلیلی بر کارکرد بازارهای هفتگی در کیفیت زندگی نواحی روستایی شهرستان گنبدکاووس**، روستا و توسعه، سال ۲۲، شماره ۸۶، صص ۱۲۳-۱۰۵.
- نجاتیان‌پور، اعظم و عبدالکریم اسماعیلی، (۱۳۹۵). **تحلیل عوامل موثر بر صادرات محصولات صنایع غذایی با رویکرد توسعه روستایی**، نشریه راهبردهای توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۳۵۳-۳۳۵.
- وصال، زینب، علیرضا خواجه شاهکوهی و علی اکبر نجفی کانی، (۱۳۹۶)، **نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان فریمان**، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۶، شماره ۱۹، ۷۶-۶۱.
- وبگاه **صنایع غذایی مجید** (۱۴۰۱). قابل بازیابی از: https://majidfood.com
- Casini, L., Boncinelli, F., Gerini, F., Romano, C., Scozzafava, G., and Contini, C. 2021. **Evaluating Rural Viability and Well-being: Evidence from Marginal Areas in Tuscany**, Journal of Rural Studies, Vol. *82*, pp. 64-75.
- Golabi, S, and Ebrahimi, M, S, 2018, **Factor Analysis of the Impact of Industrial Areas on Rural Development: A Case Study of Farahan Industrial Area in Iran**, Journal of Sustainable Rural Development, Vol. 2, No 1-2, pp. 51-60.
- Klein, O. Nier, S. and Tamásy, C, 2022, **Re-configuring Rural Economies–The Interplay of Institutions in Three Agri-food Production Systems,** Journal of Rural Studies, Vol. 92, pp. 132-142.
- Parshukov, D. V. Shaporova, Z. E. and Koloskova, Y. I, 2021, **Quality of Life of the Rural Population of the Krasnoyarsk Territory: Assessment, Trends and Priorities**, IOP Conference Series: Earth and Environmental Science, 839**,** 022096
- Rotimi, A. E. and Temitayo, O. J, 2022, **The Impact of Agro-Based Industries on Rural Development for Sustainable Food Production in Ekiti State, Nigeria**, Journal of Agricultural Research Pesticides and Biofertilizers. Vol. 3. No 5. pp. 1-6.
- Seangpraw, K. Ratanasiripong, N. T. and Ratanasiripong, P. 2019. **Predictors of Quality of Life of the Rural Older Adults in Northern Thailand**. Journal of Health Research. Vol. 33. No 6. pp. 450-459.
- Viccaro, M. Romano, S. Prete, C. and Cozzi, M. 2021. **Rural Planning? An Integrated Dynamic Model for Assessing Quality of Life at a Local Scale**, Land Use Policy, Vol. 111, 105742.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.44.10.0]